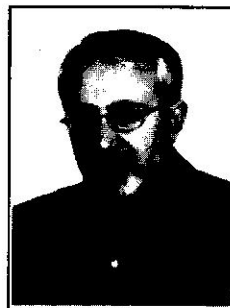


ضرورت و چگونگی حضور انگیزه‌های دینی به عنوان پشتوانه تولید



■ مهندس علی اکبر دانشمند
مسئول گروه راهبردی پژوهشکده توسعه
تکنولوژی

چکیده

این نوشتار پس از مروری بر وجود رابطه متقابل بین توسعه تکنولوژی و تولید، ضرورت پرداختن به توسعه تولید به عنوان بستر توسعه تکنولوژی را بیان داشته و با این مقدمه به شکل‌گیری جریان جسارت مصرف و افزایش عدم تعادل در تولید و مصرف پس از وقوع انقلاب اسلامی می‌پردازد. با توجه به اینکه هدف از انقلاب، ایجاد تغییرات مطلوب درحوزه ملموسات می‌باشد و رابطه تقومی (وابستگی متقابل) بین انقلاب سیاسی و انقلاب اقتصادی وجود دارد، رسیدن به انقلاب اقتصادی (انقلاب در حوزه عمل) در گرو وقوع انقلاب فرهنگی خواهد بود.

پذیرش تدریجی بودن وصول به اهداف و پذیرش التقاط در اجرا، به عنوان درجه‌ای از اسلامیت جریان امور و تغییر مداوم در قوانین و نرم‌افزارهای اداره جامعه، البته با حفظ جهت افزایش درجه اسلامیت، مسیر تکاملی جامعه را تداعی می‌کند.

در نوشتار پیش رو، تکامل انقلاب فرهنگی در تحقق حرکت روبه کمال حوزه ملموسات جامعه توصیف شده و تولید و تکنولوژی، به عنوان بستر توسعه فرهنگ معرفی شده است. با بیان موارد فوق و بیان وابستگی سه حوزه سیاست، فرهنگ و اقتصاد جامعه به یکدیگر، با بررسی عدم تعادل بوجود آمده بین تولید، مصرف، تعادل جدید، نه در کاهش یکباره مصرف، بلکه در افزایش تولید بوده و با توجه به ناکارآمدی انگیزه‌های نظام سرمایه‌داری برای افزایش تولید، انگیزه‌های مذهبی را می‌توان پشتوانه تولید و تعدیل در مصرف دانست.

در انتها نیز با اشاره به وجود معارف دینی گسترده و عمیق درباره تولید و سیره عملی ائمه معصومین علیهم‌السلام و بزرگان دینی در اکتفاء به حداقل‌ها برای خود و تولید گسترده برای استفاده دیگران، به چگونگی پیاده شدن این سیره در جامعه امروز پرداخته می‌شود.

کلید واژه:

تکنولوژی فناوری، تولید، توسعه، مصرف، تقوم، التقاط، انقلاب، صنعت، سیاست، فرهنگ، اقتصاد، انگیزه، مذهب و عدالت اسلامی

مقدمه

از آنجایی که رفع نیازمندی‌های جامعه، اساسی‌ترین مقوله برای بقاء و رشد آن جامعه است و توسعه تکنولوژی نیز از موضوعاتی است که همراه با پاسخ‌گویی به نیازمندی‌های جامعه شکل می‌گیرد؛ لذا چگونگی شکل‌گیری این نیازها و روند توسعه کمی و کیفی آن و همچنین چگونگی پاسخ‌گویی به آنها از دغدغه‌های اندیشمندان جامعه می‌باشد.

تغییرات در مصرف جامعه، پس از پیروزی انقلاب اسلامی، قدرت تولید جامعه برای پاسخ به آنها، فاصله بین تولید و مصرف و نقش آن در توسعه تکنولوژی، بهره‌گیری از مزیت‌های روحی پس از انقلاب اسلامی برای توسعه تولید و تبدیل گستاخی در مصرف، به جسارت در تولید و اهمیت آن در تداوم انقلاب اسلامی، از مولفه‌هایی است که در این نوشتار مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرند.

وجود رابطه متقابل فناوری و تولید

مبتنی بودن تولید بر مجموعه‌ای از فناوری‌ها، امر آشکاری است و در جهان پر رقابت امروز نیز، وابستگی توسعه تولید به توسعه فناوری، بسیار آشکارتر شده است. البته وابستگی توسعه فناوری به توسعه تولید به همین میزان آشکار نیست؛ در حالیکه تولید، بستر توسعه فناوری است. امروزه سطح فن‌آوری‌ها در حدی است که توسعه آن معمولاً با کار جمعی و با صرف هزینه همراه است و اگر دلایل سیاسی برای تامین این هزینه‌ها وجود نداشته باشد، ضرورتاً می‌بایستی منابع این هزینه‌ها از محل در آمد حاصل از کاربرد فناوری در تولید بدست آید. اساساً "اهمیت فناوری، در گرو کاربرد آن در تولید است و چنانچه کمیت و کیفیت تولید، کاربرد فناوری‌ها را توجیه پذیر نماید؛ انگیزه‌های توسعه فناوری نیز افول پیدا خواهد کرد."

مسئله توسعه فناوری در هر جامعه‌ای به فناوری‌های در دسترس آن جامعه نیز بستگی دارد. اگر بخواهیم تاثیر کمیت و کیفیت سطح تولیدات

یک جامعه را در سطح توسعه فناوری آن جامعه برشمردیم، مبحثی طولانی خواهد شد؛ بنابراین به همین اندازه کفایت می‌نمائیم که توسعه فناوری به توسعه تولید بستگی دارد، تا بتوانیم رابطه بین این بحث را با موضوع توسعه فناوری بیان نموده باشیم.

رشد مصرف عمومی پس از پیروزی انقلاب اسلامی

آیا مصرف عمومی پس از انقلاب اسلامی رشد قابل توجهی داشته است یا خیر؟ آمار مصرف سرانه در کالاهای عمومی نشان از رشد مصرف دارد. آمار مصرف مصالح ساختمانی چون سیمان، آهن، شیشه، و یا در زمینه مواد خوراکی مانند برنج، شکر، روغن، در موارد سوختی مانند بنزین، گاز، نفت و در لوازم خانگی مانند یخچال، لباسشویی و تلویزیون حاکی از رشد قابل توجه در مصرف است. مصرف برق، مخابرات و وسایل نقلیه نیز بیانگر همین مطلب است. با نگاهی به سطح مصرف در روستاها مانند سبد معمول جهیزیه نیز می‌توان به رشد مصرف عمومی پی برد. پرسش دوم این است که چرا و چگونه این رشد مصرف بوجود آمد؟ در این باره می‌توان گفت که "با ظهور انقلاب اسلامی سه الگوی تولید، توزیع و مصرف دچار دگرگونی شد. با پذیرش مساوات به عنوان یک اصل میان اقشار مختلف جامعه و این هدف که، همه آحاد جامعه حق حیات آبرومند دارند، به عنوان یک شعار ریشه‌دار انقلابی جای گرفت. متأسفانه در آن مقطع، مفاهیم نظری و کاربردی متناسب با آن عرضه نشد و تا به امروز هم عرضه نشده است" لذا "جسارت انقلاب عمومی، در یک فضای رها شده از صدها محرومیت اجتماعی به گونه‌ای تبلور یافت که موجب جهش یکباره سطح انتظارات مردم را فراهم آورد. این جسارت در تولید سازمان دهی نشد، ولیکن در مصرف به طور خودکار رو به فزونی نهاد و به عبارتی نهادینه گشت."

عدالت در مصرف

"مفاهیم و معادلات نظری که بتواند سطح انتظارات عمومی را در نقطه تعادل عمومی جامعه تنظیم نموده و مبتنی بر بنیان‌های استوار انقلاب، روش‌های متعادل در تولید، توزیع و مصرف را ارائه نماید، در قیل از انقلاب بوجود نیامده و طبیعی بود که بلافاصله پس از انقلاب هم بوجود نیاید."

- براستی چه کسانی حق مصرف دارند و تا چه سطحی می‌توانند مصرف کنند؟
- آیا تنها سطح در آمد می‌تواند حد مصرف را تعیین نماید؟
- تعریف حیات آبرومند برای اقشار مختلف چیست؟
- آیا حق مصرف محصولات با فناوری بالا تنها حق کسانی است که در سطح فناوری بالا تولید می‌نمایند؟
- "آیا جامعه‌ای که از نظر مصرف، جهت‌گیری استفاده از محصولات با فناوری بالا را داشته باشد، ولی از نظر تولید در سطح فناوری پائین باشد، می‌تواند تعادل پایدار داشته باشد؟
- طبیعی است که اگر سطح انتظارات عمومی بیش از حد امکان برآورده شدن باشد، جامعه نمی‌تواند در حالت تعادل باقی بماند."

کاهش مصرف عمومی یا افزایش سطح تولید و یا هر دو

بعضی‌ها بر این باورند که می‌توان به سادگی مصرف عمومی جامعه را کاهش داد و سطح انتظارات جامعه را پائین آورد؛ به طوریکه عموم مردم نه احساس فقر نمایند و نه احساس از دست دادن حیات آبرومند. یعنی اگر اقشار آبرومند جامعه، صاحبان مناصب بالا، به سوی ساده زیستی روی آورده و مصرف خود و خانواده را تا حد طبقات کم درآمد کاهش دهند، به تدریج عموم مردم نیز همین رویه را در پیش گرفته و باعث کاهش سطح مصرف جامعه می‌شوند (تجزیه، تحلیل و نتیجه‌گیری از این نظریه را به خواننده

محترم واگذار می‌نمایم).

عده‌ای دیگر بر این باورند که دیگر امکان تغییر و برگشت سطح مصرف عمومی وجود ندارد و می‌بایستی فقط در جهت افزایش تولید حرکت کرده و از مصرف گرایی و علاقه به مصرف هم به عنوان انگیزه تولید استفاده نمود. این روند البته راه حلی جز ادامه نظام سرمایه‌داری را ارائه نمی‌دهد.

"امروزه جوامع صنعتی از مصرف به عنوان موتور تحرک نظام مادی استفاده می‌کنند و با ابزار موثر تبلیغاتی نیز هر روز توسعه این سیاست را دنبال می‌کنند. فراموش نکنیم که آنان در کنار این سیاست، به تولید و توزیع قدرت، ثروت و اطلاع، نیز مجهز هستند؛ لذا خود را در مقام تقلید و انفعال نمی‌بینند. در مقابل، کشوری که از این ابزار بی‌بهره یا کم بهره است، به همان اندازه در چنبره بی‌جهتی یا بد جهتی نسبت به غیر، گرفتار می‌آید." "در هر حال توسعه مصرف نه یک شعار، بلکه یک راهبرد اصولی برای نظام‌های مادی است. مصرف در نگاه استراتژیک آنان، تکیه گاه مطمئنی برای تحرک نظام انگیزش جامعه به منظور تولید بیشتر و سودآوری افزون‌تر است. نظام سرمایه‌داری ابتدا مصرف را در چارچوب نیاز و ارضای فردی و سپس به صورت اجتماعی معنی می‌کند و با ترسیم اختلاف طبقاتی، زمینه تحرک بیشتر را فراهم می‌نماید. در این نظام، اعتقاد بر این است که توسعه مصرف باید به صورت دائم التزاید با جهت‌گیری رشد حرص و حسد اجتماعی، به منظور تحرک جامعه در مسیر تولید و مصرف بیشتر، وجود داشته باشد."

انگیزه‌های دینی به عنوان پشتوانه تولید

"در کنار نظریات عنوان شده، نظریه دیگری وجود دارد که معتقد است، می‌توان شیب جامعه را از مصرف زدگی به سوی تعدیل مصرف و سپس از آنجا به تولید گرایش داد و ظهور صنعت متناسب با ارزش‌های الهی را شاهد بود." راه حلی که این نظریه ارائه می‌دهد، ایجاد بحران کنترل شده و هدفمند در جامعه است.

”به نظر می‌رسد که معضلات موجود اقتصاد کشور، ریشه در عدم هماهنگی و ارگانیزه نبودن ادراکات مذهبی دارد و قطعاً با این شاکله نمی‌توان به اداره جامعه کارآمد و مطلوب پرداخت. آیا وجود این عدم هماهنگی در ساختار، بدان معنی است که هیچ راهی برای اصلاح آن وجود ندارد؟ جواب این پرسش، بستگی تام به نوع نگرش ما به اصل صورت مسئله دارد؛ چرا که اگر قرار باشد از منظر ساختارها و مفاهیم نظام‌های مادی، به آنها بنگریم، قطعاً باید پرچم تسلیم را برافرازیم و به ناکارآمدی الگوی فعلی اعتراف کنیم. اما اگر قرار باشد طرحی نو در اندازیم و به خود جرات نواندیشی مبتنی بر عقل متعبد را بدهیم، آنگاه خواهیم دید که با تغییر ساختار مفاهیم و معادلات، امکان استفاده از انگیزش‌های مذهبی جامعه برای ایجاد مدیریت خاص که گستاخی در مصرف را مزاحم خود نبیند و راندمان تولید را با هدف رشد و توسعه فناوری در پی داشته باشد، امری شدنی به نظر می‌رسد.

در هر حال هر چند که این معضلات را ناشی از عدم تجربه حکومت اسلامی در سده‌های اخیر، عدم آمادگی دین باوران نظام کارشناسی جامعه در برخورد با حوادث پس از انقلاب اسلامی، تنگ نظری و یا فراخ‌اندیشی غیر قاعده‌مند در بسیاری از چالش‌های اجتماعی، نبود یک الگوی کارآمد تولید، توزیع و مصرف اجتماعی در کشور، تفوق سلیق شخصی بر روش‌های متقن اجرائی و... بدانیم و یا بگونه‌ی دیگر به تجلیل مسئله پردازیم؛ آنچه کماکان عقل را به بسیجی همه جانبه فرا می‌خواند، چیزی جز ضرورت ارائه طرحی بدیع و عملی نخواهد بود. البته این طرح، علی القاعده باید با روح حاکم بر جامعه نیز هم‌نوا باشد.“

”مسلماً، کلیدطلانی این قفل ناگشوده، ایجاد بحران کنترل شده و هدفمند در جامعه است؛ چرا که بحران می‌تواند راه طولانی را نزدیک کند. بحران به معنای پیدایش یک اختلاف سطح، یک قدرت و یک فرصت است که می‌تواند چون سیلی بنیان کن، انتظارات موجود جامعه و جهت حاکم

بر آنها را دگرگون سازد. این بحران مستلزم مدیریت شایسته است.“ ”ما زمانی می‌توانیم الگوی توسعه صنعتی کشور را بدرستی طراحی کنیم که هماهنگ با سایر نهادها، به ایجاد بحران هدفمند به نفع توسعه صنعت متناسب با توسعه اسلامی، پردازیم.“

”ما باید بتوانیم به صورت هدفمند حتی انگیزه غیر مذهبی جامعه را تحریک کرده و سپس شیب آن را به طرف انگیزه‌های مذهبی سوق دهیم و با افزایش آگاهی‌های مردم به زیانبار بودن واردات، با ایجاد حساسیت و انگیزه‌های لازم، امر تولید داخلی را پررنگ و با ارزش نمائیم.“ ”در کنار این کار باید با بسترسازی لازم و آسان نمودن امر تولید، فضای ارزشی جامعه را به سمت تولید گرایی مثبت و با هدف عرضه محصولات ضروری و غیر لوکس تغییر دهیم.“

”در این حال خواهید دید که تولید مانند نماز امری عبادی محسوب شده و مردم متدین کشور که غالب جمعیت ایران را تشکیل می‌دهند، برای کسب و کار خود نیز قصد قربت می‌کنند و نه تنها در دام حرص و حسد گرفتار نمی‌آیند، بلکه روحیه انفاق و ایثار نیز در جامعه رو به رشد می‌گذارد.“

با کمی توجه به مجموعه احکام و توصیه‌هایی که در زمینه تولید و بر طرف کردن حاجت‌های عمومی مردم در معارف دینی ما وجود دارد و سیره عملی ائمه معصومین علیهم السلام در تولید و وقف آن برای عموم مردم و همچنین تلاش بی‌وقفه بزرگان دینی معاصر بویژه در زمینه‌های فرهنگ دینی، که در عین حضور در بالاترین مناصب اجتماعی، بیشترین تلاش و کار را در مقابل کمترین برخورداری دنیائی برای خود طالبند؛ با این پرسش روبرو خواهیم شد که چگونه مردم در دوران انقلاب و سال‌های دفاع مقدس در صحنه‌های کار و تولید تلاش می‌کردند و یا این که چگونه مردم با جدیتی عجیب به انجام امور خیر همچون برپایی مراسم عزاداری ماه‌های محرم و صفر و اطعام‌های ماه مبارک رمضان و دیگر مراسم

جامعه دانست. با این تعریف می‌توان از همان اوائل تا حد زیادی انقلاب اسلامی را در بعد اسلامی پیروز دانست؛ چرا که خواست جامعه تغییر جهت داده و ساز و کارهای سیاسی نیز تا حدود زیادی، متناسب با خواست جامعه تغییر یافته است.

”بدیهی است که هنوز نظام اسلامی به زمان تولید کامل ادبیات اداره انقلاب نرسیده و جوانه‌های پژوهش‌های دقیق در شرف ظهور است، اما فاصله زیادی نیز تا کنون پیموده شده است. در اوان انقلاب اسلامی کارها بر اساس جناح بندی اداره می‌شد، اما وجود ناهنجاری‌های جدی که امروز در سطح جامعه به چشم می‌خورد و نیز تصمیم‌گیری‌های لحظه‌ای و روزمره، دیگر اجازه چنین برخوردهایی را به گروه‌های سیاسی نمی‌دهد و البته وجود همین چالش‌های عینی است که می‌تواند به توسعه ادبیات انقلاب منجر شود. طبیعی است تا زمانی که یک مدل کارآمد در اختیار متولیان اصلی انقلاب قرار نگرفته باشد، آنها مجبوره پای فشاری بر همان ارزش‌های کلی هستند. همین امر ضرورت تحرک بیشتر در عرصه پژوهش‌های آکادمیک و کاربردی موثر را مضاعف می‌سازد.“

”انقلاب فرهنگی را می‌توان تغییر متناسب با بعد سیاسی در ساختار، قوانین، روش‌ها و دستورالعمل‌ها دانست. انقلاب فرهنگی هرگز نمی‌تواند به سرعت انقلاب سیاسی اتفاق بیافتد و توسعه و تکامل آن پیچیده‌تر می‌باشد.“ گسترش کمی و توسعه کیفی آن (رعایت تناسب با اهداف انقلاب)، مشکل‌تر از تکامل انقلاب سیاسی است و ما از این نظر در آغاز راه هستیم و تنها بخش کمی از راه را (به ویژه از نظر کمی) پیموده ایم.

”جامعه امروز ما نیازمند طراحی نرم‌افزارهایی اساسی برای اداره عینیت و سازماندهی رفتار عمومی است؛ اما واضح است که پی‌ریزی آن، راهی طولانی را طلب می‌کند.“ ”انقلاب فرانسه نیز پس از ۵۰ سال توانست، ادبیات متناسب با انقلاب خود را تولید کند. خوشبختانه در حال

مذهبی اهتمام می‌ورزند. با اندکی دقت در می‌یابیم که تمامی آنها از مظاهر امکان‌پذیری توسعه کار و تولید بر مبنای انگیزه‌های دینی است.

”اگر دور نمای صنعت در حال بحران و غیر بحران بخوبی ترسیم نشود و شیب انگیزه مصرف و تولید در یک جامعه اسلامی تعریف نگردد، ناچاریم به معادلات نظام سرمایه‌داری به عنوان یک الگوی مجرب در سطح جهانی گردن بگذاریم و همواره از نبود یک بستر پرورش روحی، ذهنی و عینی نگران و متفعل باشیم. در این حال طبیعی است که با انفاق، اوقاف و سایر سرمایه‌های ملی، نظیر اموال بی‌صاحب برخورد کنیم و هیچگونه انگیزه الهی در برخورد با چنین سرمایه‌هایی در خود احساس نماییم. با این وصف و در صورت نبود انگیزش الهی به عنوان موتور حرکت در سه عرصه سیاست، فرهنگ و اقتصاد، آنچه جایگزین خواهد شد، انگیزه‌های مادی است که در این حال ”دین‌ابزاری“ بجای ”دین‌محوری“ حاکم شده و عملاً دین به انزوا کشیده می‌شود؛ چرا که نگرش ضعیف ما نتوانسته از نقش دین به عنوان مولد حرکت اجتماعی، استفاده بهینه کند.“

از انقلاب سیاسی تا انقلاب فرهنگی و انقلاب اقتصادی

در واقع یک انقلاب دارای سه وجه است که نمی‌توان آنها را از هم جدا دانست؛ چرا که هیچ وجهی بدون وجوه دیگر معنی ندارد. اگر انقلاب در بعد سیاسی رخ می‌دهد، حتماً به نسبتی در دو بعد دیگر نیز رخ داده است. انقلاب در معنای کامل خود، حاصل ترکیبی از هر سه وجه انقلاب است. با این حال برای دست‌یابی به امکان تجزیه و توضیح بهتر، هر یک از سه وجه انقلاب را می‌توان بطور انتزاعی وجدای از دیگر وجوه، مورد مطالعه قرار داد.

انقلاب سیاسی را می‌توان به معنی انقلاب در ”میل و خواست“ عمومی جامعه و انقلاب در ”ساختارها و جهت‌گیری‌های سیاسی“ و همچنین انقلاب در ”ساز و کارهای سیاسی“

حاضر زمینه لازم برای طراحی این نرم‌افزارها در جامعه ما وجود دارد، اما این امر مشروط به یک بلوغ فکری تعیین‌کننده است که قائل به تاثیر امور سیاسی و فرهنگی جامعه در تنظیم نسبت‌های کلان و تاثیر امور اجتماعی در توسعه صنعت و اقتصاد باشد.

انقلاب اقتصادی، بعد سوم انقلاب است که نمی‌توان آن را سیاسی یا فرهنگی دانست. این انقلاب تنها در حوزه ملموسات قابل اندازه‌گیری است. انقلاب اقتصادی در حوزه عینیت جامعه در حوزه رفتارها، تعاملات حسی، کمیت‌ها و حوزه امورات جاری جامعه رخ می‌دهد.

تلاش انقلاب ما از منظر انقلاب اقتصادی، بر این بوده است که تمامی شئون جامعه را تحت تاثیر قرار دهد؛ اما از آنجا که هنوز مفاهیم و معادلات مربوط به عدالت سیاسی و فرهنگی و اقتصادی و نوع ساختار و موازنه مطلوب جامعه تعریف نشده است، لذا عملاً انقلاب اسلامی از پشتوانه لازم نظری در قالب یک انقلاب فرهنگی همه جانبه بهره‌مند نمی‌باشد و طبعاً تا زمانی که این ابزار را در اختیار نداشته باشد، به یک انقلاب اقتصادی وسیع دست یازد.

انقلاب سیاسی با هدف نهایی انقلاب در حوزه ملموسات (انقلاب اقتصادی)

اولین تغییرات عینی در حوزه ملموسات سیاسی اتفاق می‌افتد، مانند افرادی که مناصب خود را از دست می‌دهند و یا افراد دیگری که منصوب می‌شوند. پس از آن انتظار می‌رود که تغییرات ایجاد شده در ساختار جامعه، بطور همزمان و یا پس از آن، همه امور عینی و همه حوزه‌های ملموس زندگی اجتماعی همچون امور معیشتی، کسب و کار، مسکن، بهداشت، رانندگی و به عبارت کلی تمام عرصه‌های تولید و توزیع و مصرف را در برگیرد.

"انتظار می‌رود که مفاهیم انقلاب در عرصه‌هایی مانند اسلامیت، استقلال، آزادی و عدالت، عزت، مساوات، رعایت حقوق و... ظهور و حضور پیدا

کند." در واقع اگر انقلابی در سطح سیاسی موفق شود، اما تاثیری در حوزه‌های عینی جامعه نداشته باشد؛ در این صورت رویداد رخ داده را نمی‌توان یک انقلاب کامل دانست." هدف از انقلاب اسلامی، جریان دادن اسلام در تمام شئون جامعه بوده و حوزه عینیت نیز از این شئون جامعه جدا نمی‌باشد و به عبارتی اگر تمامی امور جامعه، مبتنی بر دین ساماندهی شوند، در آن صورت است که می‌توان از پیاده شدن آرمانهای انقلاب سخن به میان آورد.

موفقیت در انقلاب اقتصادی ضرورت تداوم انقلاب اسلامی

قبلاً اشاره داشتیم که هدف نهایی از انقلاب اسلامی، تاثیر گذاری در حوزه ملموسات و در نهایت وقوع انقلاب اقتصادی است. بنابراین تداوم انقلاب بدون تداوم این تاثیر، معنی‌دار نمی‌باشد. نکته دیگر اینکه توسعه و تداوم انقلاب اسلامی در ابعاد سیاسی و فرهنگی خود به سازو کارهای عینی نیاز دارد که می‌بایستی متناسب با آنها درحوزه عینیت بوقوع پیوندد.

به عنوان مثال برای حفظ و تداوم انقلاب، ادامه پیوند سیاستمداران و تصمیم‌گیران کشور با مردم، نیاز به ابزارهای متناسب ارتباطی است. این ابزارها در حوزه عینیت هستند و از نظر کمی و کیفی، هر چقدر که با انقلاب سیاسی هماهنگ‌تر باشند، امکان بهتر و بیشتری را برای تداوم و توسعه بوجود می‌آورند.

مثال دیگر برای توسعه فرهنگی، ضرورت توسعه‌یافتگی در ابزارهای فرهنگی (امکانات فیزیکی) مانند امکانات نشر کتاب، بودجه‌های تخصیصی برای تدوین قوانین و آئین‌نامه‌ها، وجود ساختمان‌های مناسب برای آموزش، امکانات مادی برای نهادهای مولد اندیشه و... است.

ابزارهای حوزه فرهنگ با همه گستردگی اش، در واقع بخشی از عینیت هستند که می‌بایست متناسب با نیاز انقلاب فرهنگی، متحول شده و زمینه توسعه انقلاب فرهنگی را ایجاد کنند. به هر

میزان که سازوکارهای عینی، هماهنگ با انقلاب فرهنگی باشند، به همان اندازه به انقلاب فرهنگی کمک می‌نمایند.

بنابراین تداوم انقلاب سیاسی نیازمند تداوم انقلاب فرهنگی و انقلاب اقتصادی است. اساساً هر سه بعد انقلاب در وابستگی کاملی به همدیگر قرار دارند و تداوم انقلاب اسلامی نیازمند تداوم هماهنگ در هر سه بعد است. "از منظر دیگر، انقلاب سیاسی، از مجرای انقلاب فرهنگی می‌تواند موجب انقلاب اقتصادی شود؛ چرا که "فرهنگ" واسطه تبدیل مفاهیم انقلاب در جریان عینیت است."

با توضیحاتی که تا کنون داده شد، می‌توان گفت که توفیق در انقلاب اقتصادی موجب تحکیم و تعمیق انقلاب سیاسی می‌شود و شکست در انقلاب اقتصادی نیز می‌تواند انحراف و یا دگرگونی در بعد سیاسی انقلاب را در پی داشته باشد.

پذیرش تدریج و التقاط ضرورت اسلامی تر شدن

در مسیر حرکت انقلاب اسلامی، بی‌توجهی به چند نکته اساسی که ذیلاً شرح داده می‌شود، ممکن است، برنامه‌ریزی واقع‌بینانه را دچار خدشه نموده و یا در طی مراحل اجرایی برنامه‌ها، موجب یاس در وصول به اهداف شود. این نکات عبارتند از:

الف. تدریجی بودن: "وصول به اهداف انقلاب اسلامی، قطعاً تدریجی است و به یکباره نمی‌توان موضوعی را از حالت غیر اسلامی به اسلامی تبدیل کرد." اموری مانند امور بانکی و یا سیستم حقوق و دستمزد در یک کارخانه که مستلزم تبدیل و تغییر تدریجی است. در واقع هر چه که موضوع مرکب‌تر باشد تبدیل آن تدریجی‌تر خواهد بود.

ب. وجود التقاط: اگر تدریجی بودن تغییر پذیرفته شود، "در هر مقطعی از حرکت، سهمی از حالت قبلی وجود دارد. به عبارت دیگر در تغییر موضوعات از حالت غیر اسلامی به اسلامی،

مراتبی از غیر اسلامی بودن در هر مرحله وجود دارد. علی‌الاصول باید این سهم مرتباً کاهش یافته و به سهم اسلامی بودن افزوده شود (مانند نظام انگیزه‌های تولید)". اگر وجود این التقاط نفی شود، تظاهر به اسلامی شدن جای اسلامی تر شدن واقعی را خواهد گرفت.

ج. اسلامی بودن هر مرحله از برنامه: اگر حرکت تدریجی و وجود سهمی از التقاط در هر مرحله‌ای از یک برنامه عملی و دقیق را پذیرفته باشیم، آیا نمی‌توان مرحله‌ای را که حداکثر سهم اسلامی تر شدن را داراست، یک کلیت اسلامی دانست و همانند یک عبادت خالص بدان همت گماشت؟ در هر حال واضح است که نباید در آن مرحله باقی ماند و می‌بایستی مرتباً با ایجاد فضای لازم گام‌های دیگری را در جهت افزایش سهم اسلامی تر شدن، برداشت. به عنوان مثال اگر در اوائل پیروزی انقلاب، با ایجاد برخی تغییرات در قواعد مبادلات بانکی، مرحله‌ای از اسلامی کردن اعلام شد. مسلماً برای همیشه نمی‌توان به این تغییرات اکتفا کرد؛ چرا که برای دستیابی به نظام کارآمد غیر ربوی، اندیشیدن مستمر در مورد مبانی نظری کلیت نظام مبادلات پولی، امری ضروری است. "گستره اینگونه اندیشه‌ها می‌تواند تا ارائه تعریف جدید و مطابق با مفاهیم دینی از عواملی چون پول، سود اقتصادی، سود صنعتی، سود اجتماعی، سرمایه، مالکیت، مدیریت، مشارکت، اشتغال و قیمت پیش رفته و در پی ایجاد تغییرات بنیانی گسترده و عمیق در تمامی سطوح اقتصادی و اجتماعی باشد."

"هر موضوعی، از طبیعت خاص خود برای تغییر برخوردار است و عدم شناخت این طبیعت می‌تواند مانع از برنامه‌ریزی درست برای تغییر و اجرای موفق آن باشد. هر قدر که موضوع پیچیده‌تر باشد، اهمیت شناخت دقیق‌تر، بیشتر خواهد شد؛ چرا که شکست برنامه‌هایی که بر خلاف طبیعت یک موضوع باشند، حتمی است."

کلام آخر

توجه به نقش بنیادی و کلیدی صنعت در دستیابی به اهداف توسعه و تکامل مورد نظر جامعه انقلابی ایران، الزامات خاصی را برای تعیین استراتژی و سیاست‌های کلان در برنامه‌های توسعه به دنبال خواهد داشت. بر این اساس استراتژی‌ها و راهبردهای جامعه ما با سایر جوامع متفاوت بوده و چارچوب کلی آن را توانمندی‌های ارزشی، فلسفی و دانشی برخاسته از دین تعیین می‌نماید. بر این پایه کشور اسلامی ما برای دستیابی به اهداف و آرمان‌های اقتصادی خود نیازمند داشتن یک مدل و الگویی است که در پرتو آن، جایگاه صنعت و استراتژی توسعه صنعتی کشور مشخص شده و در نهایت برنامه‌های بلند مدت، میان مدت و کوتاه مدت خود را تعیین نماید. " اکنون با توجه به این که صنعت به عنوان یکی از ارکان اصلی مجموعه اقتصادی کشور محسوب می‌شود، لازم است یک حرکت بنیادی با مشارکت " حوزه و دانشگاه " و بخش صنعت در جهت شناخت نارسایی‌ها به منظور دستیابی به راهبردهای مناسب و سازگار با اهداف عالی نظام اسلامی آغاز شود."

فهرست منابع

۱. زیر ساخت مفهومی توسعه صنعت از منظر تکامل گرایی دینی، بر گرفته از سلسله بحث‌های استاد علامه سید منیرالدین حسینی الهاشمی (ره)، به اهتمام عبدالعلی رضایی، علی اکبر دانشمند و علی رضا انجم شعاع، انتشارات داخلی فرهنگستان علوم اسلامی قم، اردیبهشت ۱۳۸۴، پیش نویس اول.

The necessity and the manner of religious motives presence as a production support

■ *By : A. A. Daneshmand (MSC)
Director of Strategic Group in the Institute
for Technology Development*

Abstract:

After reviewing the mutual relation between technology development and production ,this writing explains the necessity of paying attention to production development as a bed for technology development . With this introduction , it proceeds to the formation of consumption dissipation trend and the increase of imbalance in production and consumption after the Islamic revolution outbreak . Since the aim of revolution is a desired change in the domain of actions and there is a mutual dependence between political and economic revolution , achieving an economic revolution depends on cultural revolution outbreak . The acceptance of achieving the objectives gradually , and the acceptance of eclectic in performance as an Islamic index of the course of the affairs and continuous change in regulations and softwares of managing the society associates the evolutionary path of the society, surely by maintaining the direction of increasing Islamic index .

In this writing , the materialization of forward motion of society in the domain of practice is explained as an evolution of cultural revolution , and the production and technology are represented as a bed for cultural development

According to the above description and stating the dependence of three domains of politics , culture , economics on each other and also considering the imbalance made between production and consumption , the new ballance is not in consumption reduction but in increasing the production , and in regard to the ineffectiveness of the motives in capitalist system for production increase , religious motives can be taken as production support and consumption modification . Finally , referring to the wide and deep religious knowledge about production , and practical conduct of Immaculate Imams (peace be upon them) to be satisfied with the minimums for themselves and in producing for other's use in large scale , the way this conduct performed in today society is considered .

Keywords:

Technology , production , development , consumption , mutual dependence, eclectic, revolution, industry , politics , culture economics , motives , religion, islamic justice